



سی امین سالگرد قیام بهمن ۱۳۵۷ و سی وهشتمین سالگرد حماسه سیاهکل

در بهمن ماه ۱۳۴۹ هنگامیکه رژیم دیکتاتوری شاه در اوج قدرت بود، چریکهای فدایی خلق ایران با عزمی راسخ برای سرنگونی این رژیم وابسته به امپریالیسم همت گماردند. آنها با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل توانستند جو اختناق و افسانه شکست ناپذیری رژیم سلطنتی و ساواک را در هم بشکنند. از آن پس فصل نوینی در مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران آغاز شد که سرانجام در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ به قیام سراسری مردم ایران و فروپاشی نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران انجامید.

در بهمن ماه ۱۳۵۷، در هنگامه ایکه میلیونها نفر از کلیه اقشار مختلف اجتماعی به خیابانها ریخته بودند تا با فریاد مرگ بر شاه رژیم شاهنشاهی را ساقط کنند، امپریالیسم جهانی و ایادی آنها در ایران به سازش های پشت پرده با مذهب یون قشری به رهبری آیت الله خمینی نشسته بودند. در آن ایام منافع سرمایه داری جهانی ایجاب می کرد تا پس از سرنگونی رژیم شاه، ارکان اقتصادی، ماشین سرکوب دولتی بویژه سیستم اطلاعاتی رژیم سلطنتی دست نخورده باقی بماند. از اینرو به محض فروپاشی رژیم شاه تمامی ارگانهای سرکوب نظام قبلی بازسازی شد و مهره های جدید با ظاهر متفاوت، اما با القاب اسلامی برای حفظ منافع سرمایه داری جهانی وارد میدان شدند.

از آن پس تاکنون مردم ایران به مصیبت هایی بمراتب دردناکتر نسبت به دیکتاتوری شاه گرفتار گردیده اند. در آن هنگام آمریکا سیاست حمایت و پشتیبانی آشکار تری را از پان اسلامیسیم در منطقه در دستور کار قرار داده بود. رژیم جمهوری اسلامی ایران همانند سایر جریانات ارتجاعی در پاکستان، الجزایر، ترکیه ویا نظیر جنبش طالبان و بن لادن، ابتدا مورد حمایت همه جانبه آمریکا قرار گرفت. آمریکا این جریانات ارتجاعی را مورد حمایت قرار می داد تا با سهولت بیشتری بتواند به صدور سرمایه در این منطقه بپردازد. تشکیل سازمان اوپک و بالا رفتن قیمت نفت در آن سالها موضوعی بود که برای دنیای سرمایه داری اهمیت فوق العاده ای داشت. برنامه ریزی دراز مدت آمریکا و سایر دول بزرگ صنعتی غرب بر این پایه استوار بود که پولی را که بابت بهای نفت به کشورهای نفت خیز می پردازند در ازای صدور صنایع دست دوم دوباره به صندوق خود بازگردانند. در چارچوب این سیاست رژیمهایی مورد حمایت آنها قرار می گرفت که در عین حال که در چنبره اقتصادی غرب قرار داشتند در داخل کشورهای خود مردم را به سوی مذهب و دین داری ترغیب کنند.

از آن هنگام آفت دین و رجعت به افکار و عقاید قرون وسطایی در کشور ما با آهنگی غیر قابل تصور در جریان است. صدور سرمایه به امنیت نیاز دارد و این مهم از عهده حکومت هایی ساخته است که بتوانند توده های مردم را فریب دهند و آنها را با امیدهای واهی و افکار بربریت به کجراه سوق دهند. برای اجرای این سناریو هنوز تأثیر تبلیغ و ترویج خرافات و دین داری در بین توده های ناآگاه عامل مؤثری به حساب می آید. اگر جز بکارگیری ترفند مذهب بود چگونه امکان داشت مناسبات کهن و آداب و رسوم جاهلیت را، آنطور که سالهاست رژیم جمهوری اسلامی ایران در دستور کار خود قرار داده در ایران رواج دهند؟

با وجودیکه در دهه های ۴۰-۵۰ این تاکتیک تا حد زیادی برای حفظ منافع امپریالیسم مؤثر واقع شد اما به تدریج جریانات مذهبی بخاطر عدم تطبیق خود با مناسبات جدید اقتصادی، همچنین رقابتهای تاریخی مذهبی و قومی در تضاد با منافع آمریکا در منطقه قراگرفتند. پاره ای از آنها که عموماً سنی مذهب هستند نظیر بن لادن و ملا عمر سر به شورش زدند تا پیروان خود را که اساساً افرادی مذهبی و خرافی هستند حفظ کنند. رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز که بقاء خود را در اسلام گرایی و ترویج خرافات صدر اسلام باز یافته است نمی توانست از این قاعده استثناء باشد. این رژیم برای اینکه جایگاهی در دنیای اسلام و از این طریق در جامعه جهانی داشته باشد، از ابتدای روی کار آمدنش خود را نماینده شیعیان جهان معرفی کرده است. سران رژیم خوب می دانند هر آینه تابلوی دین داری خود را بردارند، نقش آنها در میان رقبای عرب به هیچ گرفته خواهد شد، لذا دیگر جای برای بلند پروازیها و ارضاء جاه طلبیهای آنها در جهان اسلام باقی نمی ماند. از اینرو پس از تحکیم لوزان پایه های اقتدار، به صورت کم رنگی در صدد فاصله گرفتن از آمریکا برآمدند تا با ژشت «ضدامپریالیستی» منشور جدیدی برای اسلام گرایی خود در برابر رقبای عرب دست و پا کنند. اگرچه این منطق کارآیی چندانی نداشته است و در عمل به فاصله گرفتن بیشتر جمهوری اسلامی ایران از جامعه جهانی، منشور ملل متحد و قوانین شناخته شده بین المللی انجامیده است.

طی سی سال گذشته رژیم دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران چنان وضع فلاکت بار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به مردم ایران تحمیل کرده است که در هیچ جای دنیا نظیر آن دیده نمی شود. این رژیم سالهاست که مردم ایران را در انقیاد افکار عقب مانده خود نگهداشته و با حادثه آفرینی های پی در پی و جنجالهای تبلیغاتی اذهان عموم را به مسائل خارجی معطوف می دارد. خمینی و سایر سران رژیم در اوائل به قدرت رسیدنشان ابتدا شعار «فتح قدس از راه کربلا» را سردادند. سردمداران رژیم آنقدر فتنه انگیزی و آتش افروزی کردند تا سرانجام جنگ ۸ ساله ایران و عراق به مردم دوکشور تحمیل گردید. پایان جنگ مصادف با مرگ خمینی شدو مدتها به بهانه انتخاب رهبر جدید مردم را سرگرم نگهداشتند. در تمام مدت جنگ و پس از آن کلیه مخالفین از هر طیف و با هر عقیده و مذهبی را شناسایی و آنها را به زندان، شکنجه و جوخه های مرگ سپردند. از هنگام روی کار آمدن این رژیم بطور دائم تنشهای مرزی با همسایگان ایران فزونی یافته و به بهانه دفاع از میهن مردم را در شرایط خفقان نگهداشته اند. خلقهای تحت ستم ایران از کردستان تا بلوچستان و از آذربایجان تا ترکمنستان و خوزستان را سرکوب کردند و هنوز هم این وضعیت ادامه دارد.

کارگران ایران که با اعتصابات سراسری و تظاهرات خیابانی نقش مؤثری را در سرنگونی رژیم شاه ایفاء کردند هم اکنون در شرایط بسیار بد اقتصادی به سر می برند. آنها نه فقط از حق داشتن هرگونه ارگان مختص به خود محرومند بلکه حقوق ناچیز آنها نیز به موقع پرداخت نمی شود و گاهادر بعضی کارخانه ها حقوق کارگران تا ۱۶ ماه عقب افتاده است. هرگونه حرکت کارگری و مطالبات کارگران با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ داده می شود و فعالین کارگری را به بهانه های واهی در زندانها نگهدارند.

مسئله انرژی اتمی ایران و پیامدهای آن، سوء استفاده دیگری است که سران رژیم باتهدید جامعه جهانی به باج خواهی در داخل و خارج از ایران پرداخته اند. آنها ازیکسو مردم ایران را سرگرم کرده و درعین حال می ترسانند که دنیای غرب مخالف رشد و شکوفایی ما می باشد بنا براین نمی خواهند ما انرژی اتمی داشته باشیم. پس هرکس نغمه مخالفی سردهد در خدمت غربی هاست! در همان حال به گزافه گویی ادامه می دهند و جامعه جهانی را می ترسانند که «اگر به مراکز انرژی اتمی ایران حمله شود همه دنیا را به جنگ می کشانیم». این ترسند تاکنون برای سران رژیم کارآیی داشته و کشورهای بزرگ صنعتی بویژه اروپائیان با چشم پوشی از تهدیدهای رژیم بخاطر نیاز به قراردادهای بیشتر اقتصادی دست رژیم را در ادامه هذیان گوییهایش باز گذاشته اند.

باوجودیکه بیکاری، فقر، اعتیاد و فحشا در جامعه بیداد می کند و علت آن وضعیت بد اقتصادی کشور است. سالانه میلیاردها دلار از ثروت مردم ایران در کشورهای عربی، آفریقایی و آمریکای لاتین صرف جنبشهای به ظاهر «انقلابی و ضد آمریکایی» می گردد. سران رژیم با آگاهی از ضعف نهادهای بین المللی هیچگونه هراسی ندارند که بطور علنی اعلام کنند «جنگ اخیر در غزه دومین جنگ ما با اسرائیل بود». بطور قطع اینگونه اظهارات گستاخانه، آنهم بصورت علنی و رسمی بهانه را به دست اسرائیل خواهد داد تا ثابت کند طرف جنگ با آنها حماس نیست و مردم بی دفاع این منطقه را بیش از پیش به خاک و خون بکشد. هنوز جنگ بین اسرائیل و حماس پایان نیافته که رژیم ایران بازسازی ویرانه های غزه را در دستور کار قرار داده، همانطور که در باره لبنان و جنگ شیخ حسن نصرالله با اسرائیل همین سیاست را درپیش گرفت. براستی باتوجه به پائین آمدن بهای نفت و کمبودهای سراسری درآینده نه چندان دور وضعیت فلاکت بار اقتصادی مردم به کجا خواهد انجامید، چاره کار در کجاست؟

تجربه سی سال حکومت دیکتاتوری - مذهبی جمهوری اسلامی ایران ثابت می کند تا هنگامیکه این رژیم بر سر کار است مردم ایران روی آزادی و رفاه را نخواهند دید. تنها راه برون رفت از این وضعیت ناهنجار سرنگونی این رژیم تبهکار و برقراری حکومتی دمکراتیک و مردمی است. برای دست یابی به این امر حیاتی باید متحد شد و بپاخاست.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
گرامی باد خاطره رفقای رزمنده قیام و سیاهکل
زنده باد سوسیالیسم
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۹ بهمن ۱۳۸۷ - ۷ فوریه ۲۰۰۹

A.C.P- Postfach 12 02 06-60115 Frankfurt am Main-Germany-Fax: 00-49-221-170 490 21
Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de> E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de